



## Understanding the nature of contemporary architectural space in the heritage of Iran based on investigating the lyrical space (obvious and hidden space) of Hafez's poetry

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Analytic Study

#### Authors

Hiva Rahmani<sup>1</sup>

Mohammad Reza Pourzargar<sup>\*2</sup>

#### How to cite this article

Rahmani H, Pourzargar MR, Vafamehr M. Understanding the nature of contemporary architectural space in the heritage of Iran based on investigating the lyrical space (obvious and hidden space) of Hafez's poetry, 2024 Mach 24 14(1):35-47

<https://doi.org/10.1001.1.23224991.1403.14.1.3.7>

1. PhD Candidate of Architecture, Department of Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

2. Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

#### \*Correspondence

**Address:** Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

**Email:**

moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

**Phone:** -

#### Article History

Received: 2022/07/19

Accepted: 2022/08/02

Published: 2024/03/24

### ABSTRACT

**Aims:** Technological development, organization of space based on functional approaches and modern visual modeling have led to the emergence of mold products in the urban landscape of contemporary Iran, dealing more with physical requirements and visual effects. In late architecture, however, there are manifestations of human themes in relation to the space which are due to the existence of a bond between architecture and literature. In order to re-establish such a bond, this article seeks to investigate "Hafez's Lyrical Space" to reexamine the concept of space in architecture.

**Methods:** The space of Hafez's poetry is interrelated with man's experience so in its relation with human experience and phenomenological studies. This study is informed by Phenomenological methodology. In order to recognize human experiences germane to Hafez's lyrical space and to understand the concept of space, this article has investigated human experiences of a number of professionals in different fields.

**Findings:** The findings suggest that the concept of "Hafez's Lyrical space" is constantly intertwined with human embodiment (body-mind) in his poetry, so human being becomes meaningfulness in lyrical space and vice versa. This space appears with the presence of human embodiment in a multifaceted dialectical relationship, i.e. visible and invisible layers, separate from a concentration and centralization on human or other phenomena.

**Conclusion:** Based on the concepts extracted from mediating, multidimensional and embodied lyrical spaces of Hafez's poetry which were considered with unique connection with human, the process of formation of lyrical spaces embodied in contemporary urban landscape and architecture emerged.

**Keywords:** Hafez lyrical space, Phenomenology, Human embodiment, mediating space, Space perception, Human presence

### CITATION LINKS

- [1] Pallasmaa, J. The Embodied Image: Imagination and ...
- [2] Falamaki, M. M. Principles and Reading of Iranian Architecture. Tehran, ...
- [3] Soltani, S. & Kirci, N. Phenomenology and Space in Architecture: Experience, Sensation ...
- [4] Pallasmaa, J. Architecture as Experience: The Fusion of the World and the Self. Architectural ...
- [5] Cho, J. S. A Study on the Experiential Space Concept and the Expression Method in Contemporary ...
- [6] Amini, M. R. Some Incidents of Imperceptible Artistic Devices in the Poetry of Sa'di... [7] Moazami, M. The Instructor's Interpretation of Space and Its Influence on... [8] Shengli, L. I. U. "Merleau-Ponty's Phenomenology of Space". In The 3rd BESETO ...
- [9] Goldman, A. Merleau-Ponty and an Ethics of Space. Research in Phenomenology ...
- [10] Zevi, B. Architecture as Space; How to look at Architecture ...
- [11] Eisenman, p. Iturbe, E. Lateness (Translated by Nikfetrat M. and Eshghi Sanati H Persian). [12] Mostaghni, A. The concept of space in The View of Vatsuji Tetsuro, ... [13] McCarthy, E. The Space of The Self: An analysis of The Notion of Subjective Spatiality ... [14] Shirazi, M. An Investigation on Tadao Ando's Phenomenological ... [15] Soni, A. K. & YR, B. A. I. Understanding The Poetic of Architecture. Guru ... [16] Kim, J. S. A Study on the Sensory Experience Space Connected to Light, Material... [17] Zumthor, P. Phenomenological Approach in The Thought of Peter Zumthor ... [18] Pallasmaa, J. Space, Place and Atmosphere. Emotion and Peripheral ... [19] Moein, M. Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir, vol. 1. 1106, 1985. [Persian]... [20] Modarresi, F. Mehravar Giglou, G. A Review on the Modern Romantic Lyricism and its Follower Poets... [21] Akbarpour, A. The Paradox of Humor and lyricism. Saadiology. 2019 Spring; 7: 116-124. [Persian]... [22] Daneshpajouh, M. Masnavi and Ghazal Two Arenas for Manifestation of Persian Poetry ... [23] Abdullahi, M. Vertical Connection and Semantic Coherence in Hafez's Sonnets, Social Sciences and Humanities ... [24] Moya, P. Habit and Embodiment in Merleau-Ponty. Front. Hum. Neurosci ... [25] Hale, J. Merleau-Ponty for Architects. London; New York... [26] Merleau-Ponty, M. The World of Perception ... [27] Merleau-Ponty, M. The Visible and The Invisible: Followed by Working Notes ... [28] Nitsche, M. The Invisible and the Hidden within the Phenomenological Situation ... [29] Boudlaie, H. Phenomenological Research Methods. Tehran: Jameshenasan ... [30] Panjtani, M., Mansourian, J. and Mobini, M. Phenomenology of The Aesthetic Experience...

## بازشناخت ماهیت فضای معماری معاصر در میراث ایران زمین براساس خوانش فضای تغزل (فضای آشکار و پنهان) شعر حافظ

هیوا رحمانی<sup>۱</sup>، محمدرضا پورزرگر<sup>۲\*</sup>

۱- دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.  
۲- دکتری معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

### چکیده

**اهداف:** توسعه فناوری و سازمان‌دهی فضاها براساس نگرش‌های عملکرد گرا و صحنه‌سازی‌های بصری مدرن موجب بروز محصولات قالبی در سیمای شهری ایران معاصر شده که بیشتر به نیازهای فیزیکی و جلوه‌های بصری پرداخته است. در مواجهه با معماری گذشته به دلیل وجود پیوند روحی میان معماری و ادبیات، جلوه‌هایی از مضامین انسانی در ارتباط با فضا ملاحظه می‌شود. به‌منظور برقراری مجدد این پیوند خوانش «فضای تغزل حافظ» به‌منظور بازشناخت مفهوم فضا موردتوجه قرار گرفت.

**ابزار و روش‌ها:** واقعیت فضا در حوزه‌های فلسفه و معماری در ارتباط با تجربه‌ی انسان و مطالعات پدیدارشناسی مطرح می‌شود. فضای درونی شعر حافظ نیز در ارتباط با انسان تجربه می‌شود بنابراین روش تحقیق این پژوهش پدیدارشناسی است. به‌منظور شناخت تجربه‌های انسانی در ارتباط با فضای تغزل حافظ و بازشناخت «مفهوم فضا» این مقاله به خوانش تجربه‌های انسانی گروهی از متخصصین در رشته‌های مختلف پرداخته است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش مفهوم «فضای تغزل حافظ» را در ارتباط پیوسته و تنیده با حضور انسان بدن‌مند (کالبد - ذهن) مطرح می‌کند به‌گونه‌ای که انسان در فضای تغزل و فضای تغزل در وجود انسان معنادار می‌شود. درواقع این فضا در یک رابطه‌ی دیالکتیک چندوجهی (لایه‌های مرئی و نامرئی) خارج از محوریت و تمرکزگرایی بر انسان یا دیگر پدیده‌ها پدیدار می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** درنهایت با توجه به مفاهیم استخراج شده از فضای تغزل شعر حافظ، فضایی میانجی، بدن‌مند و منشوری در یگانگی با حضور انسان مطرح‌شده

که بر این اساس مدل چگونگی فضاهای تغزلی و مجسم در سیمای شهری و معماری ایران معاصر شکل گرفت.

**کلمات کلیدی:** فضای تغزل حافظ، پدیدارشناسی، انسان بدن‌مند، فضای میانجی، ادراک فضا، حضور انسان.

### مقدمه

دنیای ارتباطات شتابان امروز و تولید تصاویر بی‌پایان [۱] در معماری معاصر ایران موجب فقدان پیدایش فضاهای خیال‌انگیز و بروز نوعی تصاویر سلطه‌جو در محصولات معماری قالبی و کالبدی به‌دوراز ریشه‌های غنی درون‌مرزی شده است (شکل ۱). این در حالی است که انسان معاصر در ارتباط با فضاهای معمارانه گذشته، با مقوله «فضا» به‌عنوان یک اثر هنری که صرفاً موظف به برطرف کردن نیازهای جسمانی و فیزیکی نبوده روبرو می‌شود. در این مواجهه جلوه‌هایی از «احساسات و تجربه‌های انسانی» و «رنگ تعلق فضایی» ملاحظه می‌گردد که با روح و روان آدمی ارتباط برقرار می‌کند. محصول این معماری گذشته برخلاف آنچه امروز در سیمای شهرهای معاصر ایران مشاهده می‌شود، به‌گونه‌ای است که از کوچک‌ترین اجزاء: بافت، رنگ، شکل، همگی به مثابه‌ی یک «شعر مجسم» پدیدار گشته است. این انسجام شاعرانه و پیوند یگانه میان پدیده‌های مختلف در معماری گذشته و سیمای شهرها دلالت بر پیوند روحی غنی میان معمار ایرانی و ادبیات دارد به‌گونه‌ای که در گذشته معماران خود ادیب و ادیبان نیز خود معمار بودند [۲]. یگانگی معماری و ادبیات موجب شده که کیفیت معماری و سیمای شهری حاصل از پیوند با ریشه‌های ادبی تنها به صحنه‌سازی‌های بصری تقلیل نیابد ازاین‌رو ضرورت است چگونگی تدوین روح شاعرانگی در ارتباط با ماهیت فضا مورد تأمل قرار گیرد.



شکل ۱. محصولات قالبی و گم‌گشتگی مفهوم فضا در معماری ایران معاصر

در طول تاریخ «فضا» به‌عنوان موجودیتی کمی و کیفی دانسته شده که واقعیت هر اثر هنری در آن بازشناسی می‌شود. در درازنای زمانی گاهی با نگاهی کمی (در چارچوب معیارهای فیزیکی و کالبدی) و گاهی با نگاه کیفی در ارتباط با انسان در بستر محیطی - فرهنگی مطرح‌شده است [۳]. در واقع شروع نگاه کمی به مقوله فضا به تمدن یونان باستان، توسط اقلیدس برمی‌گردد، سپس افلاطون فضا را یک هستی ثابت و از بین نرفتنی شامل پدیده‌ها و رخدادها می‌داند. ارسطو نیز فضا را به ظرفی برای تمام اشیا تعبیر کرد. در دوره رنسانس فضا با تعاریف نیوتن و دکارت به‌صورت ماهیتی سه‌بعدی در پرسپکتیو مطرح گردید. با آغاز تحولات فکری قرن نوزدهم کانت واقعیت فضا را با نگاهی نو (کیفی) در جهان پدیدارها مطرح می‌کند، به‌گونه‌ای که فضا را شرط ذهنی - حسی و یکی از ساختارهای فکری انسان می‌داند که تحت تأثیر آن شهود بیرونی میسر می‌شود به این معنا که انسان هیچ تجربه‌ی حسی خارج از فضا نمی‌تواند داشته باشد [۷]. اما آنچه در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف از جمله فلسفه و معماری مطرح‌شده واقعیت فضا در ارتباط با تجربه‌ی انسانی و مطالعات پدیدارشناسی گره‌خورده است. جدول (۱) به ارائه‌ی برخی از دیدگاه‌های پدیدارشناسان و اندیشمندان در این خصوص پرداخته است.

امروزه توسعه پیوسته فناوری و نگرش‌های عقلانی-کارکردی برخاسته از دوره‌ی مدرن بیشتر بر سازمان‌دهی فضاهای سه‌بعدی براساس الزامات عددی و بصری پرداخته [۳] که این موضوع موجب افول و رخوت بسیاری از مضامین و گم‌گشتگی تجربه‌های انسانی شده است. درحالی‌که معماری اساساً پدیده‌ای شاعرانه و میان ارتباطی است [۴]. از این رو در این مقاله بحث و کنکاش در خصوص شناخت ماهیت فضا در میان فلاسفه معاصر در گستره‌ای از روابط متعدد میان پدیده‌های محیطی، فرهنگی در ارتباط با انسان مطرح می‌شود [۵]. پژوهش حاضر جهت بازشناسی مفهوم «فضا» در رابطه میان‌رشته‌ای به سراغ میراث درون‌مرزی و خوانش فضای تغزل شعر حافظ رفته چرا که در ژرفای شعر حافظ معناهای پنهانی نهفته است، به‌طور حتم با بررسی تجربه‌های برخاسته از ارتباط انسان با خوانش شعر به‌تدریج جلوه‌هایی از این معناها پدیدار خواهد شد [۶]. از آنجایی که فضای تغزل شعر حافظ، فضایی درونی و شخصی است که در ارتباط با انسان تجربه می‌شود و با همه‌ی اعصار پیوندی ناگسستنی دارد، موردتوجه این پژوهش قرار گرفته است. شاید از طریق مطالعه گستره‌های ارتباطی نهفته در آن بتوان پاسخی بر این پرسش یافت. مضامین فضای تغزل شعر حافظ در ارتباط با مفهوم فضا در معماری ایران معاصر چیست؟

در این پژوهش به‌منظور بازشناخت مفهوم فضا در رابطه با ادبیات، بازنمایی فضاهای واقعی و انسانی، پیشینه تحقیق در دو بخش شناخت مفهوم فضا براساس تعاریف مطرح‌شده از سوی اندیشمندان رشته‌های مرتبط و تعریف فضای شعر حافظ (فضای تغزل) به مطالعه و بررسی پرداخته است.

جدول ۱. دیدگاه صاحب‌نظران حوزه فلسفه و معماری در خصوص مفهوم فضا، مأخذ: نگارندگان

دیدگاه	نظریه پرداز
مرلوبوتنی منتقد تفکر انسان‌محوری توجه ویژه‌ای به مقوله «پدیدارشناسی فضا» دارد. به اعتقاد او بدن به‌عنوان منشأ آگاهی است. او با طرح روابطی نو میان آگاهی و بدن، جهان و فضا می‌کوشد پدیدارشناسی فضا را مطرح کند [۸، ۹] از این‌رو، آغاز ادراک در بدن انسان شروع می‌شود و تجربه‌ی فضا با حضور انسان بدنمند (یگانگی جسم و ذهن) معنا پیدا می‌کند [۳]. ادراک انسان فضا را بوجود می‌آورد که در نظر مرلوبوتنی این ادراک فعالیت آگاهانه ذهن نیست.	<b>موریس مرلوبوتنی</b> فیلسوف اگزستانسیالیست و پدیدارشناس ۱۹۶۱-۱۹۰۸
در سال ۱۹۴۸ با انتشار کتاب «معماری به عنوان فضا؛ چگونه می‌توان به معماری نگاه کرد» بیان می‌کند که معماری هنر ساختن فضا است که باعث می‌شود انسان را در خود جای دهد. او فضا را مؤلفه‌ی اساسی معماری می‌داند و زمان را به عنوان بعد چهارم اثر گذار بر فضا مطرح می‌کند [۱۰].	<b>برنو زوی</b> معمار و نظریه‌پرداز ایتالیایی ۱۹۱۸-۲۰۰۰
در سال ۱۹۴۱ با انتشار کتاب «فضا، زمان و معماری» موضوع زمان را به عنوان بعد چهارم معماری و در ارتباط با ادراک فضا مطرح می‌کند. او نویسنده‌ای است که از جنبه واقعی فضا سخن می‌گوید و تاریخ معماری را وارث مفاهیم فضا می‌داند، او مفهوم فضای معماری را مترادف با ساختن اشکال حجمی با ایجاد گشودگی و شفافیت در میان توده‌ها و ارتباط فضاهای داخلی و خارجی می‌داند [۱۱].	<b>زیگفرد گیدون</b> تاریخ‌نگار و منتقد سوئسی ۱۹۶۸-۱۸۸۸
در دیدگاه شرق همواره مفهوم فضا به وجود ذهنی انسان توجه می‌کند. این فضا با فضای دنیای طبیعی و آنچه که مورد توجه علوم طبیعی است تفاوت دارد. تعریف فضا در دیدگاه شرق اشاره به کیفیت یک شکل نمی‌کند، بلکه دلالت بر رابطه‌ی دیالکتیکی و وحدت تناقض‌های انسان دارد [۱۲]. بر این اساس نینگن (مفهوم انسان در ژاپن) در فضا نیز ساخته می‌شود چرا که انسان وجودی فضاوار دارد [۱۳].	<b>واتسوجی تتسورو</b> پدیدارشناس انسان‌شناس معاصر ژاپنی ۱۸۸۹-۱۹۶۰
آندو در طراحی خود همواره به دنبال مفهوم فضا است، فضای معماری پیش از اینکه با عناصر ماده و حجم ساخته شود، توسط اندیشه‌ی وی ابتدا نوشته می‌شود. معماری از دید او تحت تفکر و دغدغه‌های رایج در گفتمان پدیدارشناسی یک «متن» با کلام ویژه است [۱۴]. او برای بیان فضا از واژه‌ی شینتای (یگانگی روح و جسم) در معنای روابط انسان با جهان هستی کمک می‌گیرد [۱۵].	<b>تادانو آندو</b> معمار و پژوهشگر ژاپنی ۱۹۴۱
بن مایه‌ی فضای معماری را براساس تجربه و احساس تعریف می‌کند. از نگاه او انسان با حضور خود به فضا معنا می‌دهد. فضا در یک فرآیند تجربی براساس تجارب و همزمانی حواس گوناگون شکل می‌گیرد که موجب غنای معماری می‌شود [۱۶]. او معتقد است پیش از اینکه انسان هر آثار هنری را درک کند از نظر عاطفی و ذهنی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد [۱۷].	<b>پیتر زومتور</b> معمار و نظریه‌پرداز سوئسی ۱۹۴۳
قضاوت در مورد موجودیت فضا مستلزم ادراک حسی است که فراتر از حواس پنجگانه ارسطویی است و به اهمیت جایگاه بدن انسان جهت ادراک فضا اشاره می‌کند [۱۸].	<b>یوهان پالاسما</b> معمار و استاد انشگاه ۱۹۳۶

[۲۰]. از دیرباز در توصیف‌های عاشقانه غزل‌سرایان کهن چون سعدی و مولوی که پیش از حافظ نیز زیسته‌اند، غزل در دو ساختار هندسه ثابت همراه با کلام عاشقانه یا عارفانه مطرح بوده است. براین اساس سعدی در اوج عشق ورزی در کلام شعر نیم نگاهی به طنز داشته به گونه‌ای که در غزل خود عشقی دوطرفه را بنا می‌کند [۲۱]. مولوی نیز نوعی سخن عشق ورزی همراه با مدح و ستایش که مبنای آسمانی و عرفانی دارد را در فضای تغزل شعرش بکار برده است [۲۲]. حافظ با نگاهی آزادانه و انعطاف پذیر این ساختار هندسی حاکم در فضای غزل را بازخوانی کرده به گونه‌ای که غزل حافظ سخنی ایستا در قالب هندسه‌ای که غزل‌سرایان پیشین او به کار برده‌اند نیست بلکه سخن او سرشار از

با توجه به ادبیات مکتوب و نگرش‌های مختلف در خصوص فضا که مورد بررسی قرار گرفت می‌توان گفت که فضا در واقع منبعث از یک امر درونی و انسانی است که اصل و ذات معماری را تشکیل می‌دهد و در ارتباط با انسان و بستر فرهنگی مطرح می‌گردد. بر اساس پیوند میان انسان، فضا و بستر فرهنگی مطرح‌شده در این ارتباطات «فضای تغزل» به‌عنوان میراثی فرهنگی ایران معاصر در ادامه بحث مورد توجه قرار گرفته است.

تغزل در لغت به معنای غزل‌سرایی کردن، شعر عاشقانه گفتن و عشق ورزی است [۱۹] که در ادبیات کهن بیشتر در پیوند با «غزل» در دو حالت توصیف احوالات و روایت‌های عاشقانه و ساختار هندسی ثابت و متعارف به‌کاررفته است



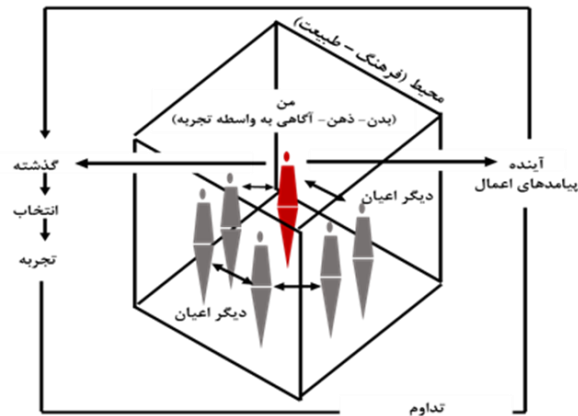
حرکت و انگاره‌های ذهنی پویا است به گونه‌ای که آدمیان در ارتباط با آن، غزل را می‌پیمایند. بنابراین می‌توان گفت غزل حافظ نه تصویر است و نه تصویری از چیزی که بتواند در یک مکان یا زمان خاصی دریافت شود بلکه یک تجربه‌ی زیستن آزادانه است. از این رو در این جستار تعریفی که از غزل یا «تغزل» مورد توجه قرار گرفته سخن دینامیکی حاوی عشق (احساس) و خیال است که در روایت شعر ظهور می‌یابد و به دلیل انسجام ادراک درونی (پنهان) و احساسات بیرونی آن در طول زمان توسط مخاطب فهم می‌شود [۲۳].

آدمیان لحظاتی را که در فضای غزل می‌پیمایند در آن روایت عاشقانه سکولار زندگی می‌کنند. در واقع آنچه به عنوان فضای تغزل در این پژوهش مطرح شده، همان فضای درونی شعر حافظ است که بر جان و نفس انسان تأثیر می‌گذارد و توسط انسان تجربه می‌شود.

از آنجایی که معماری نیز یک زبان بومی متعلق به آدمیان است که بر اهمیت تجربه و ارتباط با محیط (انسان در بستر فرهنگی) تأکید دارد بنابراین نباید مستقل از آدمیان و تجربه‌هایشان ارزیابی شود. پیش از این نیز گفته شد واقعیت فضا در مفاهیم معاصر در ارتباط با مطالعات پدیدارشناسی یکی از جریان‌های اصیل فکری قرن بیستم که به منظور کسب آگاهی و شناخت پدیده‌ها در حوزه‌های مختلف فلسفه، هنر و معماری؛ در عرصه‌های مرتبط با تجربه زیسته انسان می‌کوشد، خوانش می‌گردد.

مرلوپونتی پدیدارشناس فرانسوی، بدن انسان را نخستین وسیله‌ی مواجهه با جهان هستی می‌داند و بر این اساس شناخت و فهم فضا را در ارتباط با کنش‌های انسانی از طریق بدن زیسته، فضای زیسته انسانی مطرح می‌کند [۲۴، ۲۵]. نظریه‌ی (تن- آگاه) مرلوپونتی با هدف کشف و کاوش دوباره‌ی جهان و ادراک آن، تأثیر بسزایی در مباحث بنیادی انسان در حوزه‌های هنر، ادبیات و معماری داشته

است. او روایتی از انسان و ادراک حسی با عنوان «پدیدارشناسی ادراک حسی» به معنای فعالیت کل بدن انسان (یکی از پدیده‌ها) در مواجهه با دیگر پدیده‌ها به منظور شناخت و ادراک مطرح می‌کند [۲۶]. در واقع موضوع کشف جهان با حضور بدن انسان (پیوند و یگانگی جسم - ذهن) به عنوان نخستین وسیله برای شناخت و دستیابی به آگاهی اساس نظریه مرلوپونتی است. در این راستا اصطلاح «شاکله‌های بدن» به این معنا که انسان یک ابژه و سوژه‌ی ایستا نیست بلکه با جهان هستی پیوند خورده است مطرح می‌گردد چرا که به اعتقاد مرلوپونتی هیچ انسانی جدا از جهان هستی و یا دیگر اعیان نیست. در واقع انسان‌ها به معنای «من» یکی از اعیان واقع شده در جهان هستی‌اند که در ارتباط با بستر جغرافیایی خود (محیطی - فرهنگی)، درون خود (خویش‌ستن خود)، عادت‌ها و تجربه‌های زیسته‌ی شخصی و دیگر اعیان (دیگر پدیده‌ها و دیگران) رابطه‌ای پیچیده دارد (نمودار ۱). از این رو تجربه‌ی «من» از جهان همواره از چشم‌انداز خاصی که در برگیرنده فعالیت کل بدنی و تصاویر ناخودآگاه شخصی است ادراک می‌شود [۲۵]. از آنجایی که ادراک بدنمند در گستره‌ای از ارتباطات مختلف شکل می‌گیرد توسعه‌ی روابط میان‌رشته‌ای در آگاهی حاصله نقش بسزایی می‌تواند داشته باشد. از این رو نگرش میان‌رشته‌ای جهت حصول آگاهی همواره مورد توجه مرلوپونتی قرار گرفته است، وی در ادامه‌ی تکمیل نظریه «ادراک حسی» آخرین نظریه‌ی خود «وحدت روابط گسترده مرئی و نامرئی» را پیش از مرگ به منظور توسعه نظریه‌های پیشین پدیدارشناسان در ارتباط دیالکتیک درون و بیرون مطرح می‌کند [۲۷، ۲۸] به اعتقاد وی یکی از وجوه زیسته انسان در مراحل شناخت، ارتباط و پیوند با دنیاهای متضاد و چندگانه (لایه‌های درونی و لایه‌های بیرون) است که تمامی ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد.



نمودار ۱. درآمدی بر اندیشه‌ی مرلوپونتی، مأخذ: نگارندگان

اندیشمندان و متخصصین حوزه‌های فلسفه، علوم انسانی، ادبیات و معماری از میان کسانی که در فرآیند زیستن فضای تغزل را با دل و جان تجربه کرده‌اند به صورت هدفمند به منظور مشارکت‌کنندگان تحقیق انتخاب شدند. سپس از طریق مصاحبه‌های عمیق تجربه‌های انسانی آنان در ارتباط با فضای شعر حافظ و مفاهیم اصلی نهفته در فضای تغزل مورد مطالعه قرار گرفت.

در این مطالعه اطلاعات در دو بخش ۱. مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی ۲. عنایت به تجربه‌های زیست شده‌ی مشارکت‌کنندگان از طریق مصاحبه و گفتگو، جمع‌آوری شد. محقق ابتدا به مطالعه دیدگاه‌های مختلف در خصوص مفهوم فضا پرداخت. سپس توصیفات کلّامی مشارکت‌کنندگان به صورت نوشتار تفسیر و تحلیل شد و در نهایت در فرآیندی چرخشی نه خطی، مضامین مرتبط با فضای تغزل و ابزارهای ساخت فضای انسانی در معماری معاصر ایران جهت پیرایشگری صحنه‌سازی‌های بصری و سلطه جویانه حاکم در معماری معاصر، توسط محقق پدیدار گردید.

#### یافته‌ها

خوانش نوعی فعالیت ذهنی- فکری است که مخاطب را وادار به اندیشیدن در لایه‌های مختلف متن (لایه‌های درونی و بیرونی) جهت دریافت شهودی ماهیت فضای تغزل (شعر حافظ) می‌کند. از این رو، در پژوهش حاضر به منظور شناخت فضای شعر حافظ در ارتباط با انسان در یک فرآیند متفکرانه

شعر حافظ به عنوان پدیده‌ای محلی در تمامی اعصار در اعماق و سرشت آدمیان رسوخ کرده، به گونه‌ای که حضور همیشگی آن در گوشه گوشه زندگی ایرانیان قابل رؤیت و تأمل است. این موضوع دلالت بر ارتباطی مداوم و ناخودآگاه میان انسان و فضای تغزل حافظ در این جهان هستی به معنای زیستن در فضای شعر حافظ دارد. بر اساس نگرش میان‌رشته‌ای مرلوپونتی و ارتباط پیوسته و مداوم بدن انسان با جهان هستی زیسته‌اش به منظور ادراک ماهیت فضا و بازشناخت مفهوم فضا، فضای شعر حافظ (تغزل) به عنوان پدیده‌ای همواره در ارتباط با تجربه‌ی انسان ایرانی قابل تأمل و بررسی است.

#### مواد و روش‌ها

همان‌طور که گفته شد در مطالعات اخیر واقعیت فضا در جغرافیای انسانی در ارتباط با «تجربه‌ی انسان» مطرح شده است، ناکارآمدی شیوه‌های کمی در مباحث مرتبط با انسان موجب شده است که در این تحقیق شیوه‌ی کیفی به کار گرفته شود [۲۹]. پدیدارشناسی یکی از روش‌های مناسب و پرکاربرد در پژوهش‌های کیفی و مطالعات نظری مربوط به فلسفه معماری است [۳۰]. در این مقاله به منظور شناخت مضامین فضای تغزل در ارتباط با حضور انسان و تجربه‌ی فضای شعر حافظ به عنوان روش تحقیق مدنظر قرار گرفته است. از آنجایی که در این نوع پژوهش محقق به دنبال حل موضوع یا اثبات فرضیه نیست و پژوهش بر اساس مطالعه و بررسی تجربه‌های زیسته انسانی است هشت نفر از میان

به صورت هدفمند به سراغ مشارکت‌کنندگان تحقیق رفته و با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته توصیفات شخصی افراد در ارتباط با فضای شعر حافظ بررسی شد. در جدول

جدول ۲ یافته‌های استخراج‌شده در خصوص تجربه‌ی فضای شعر حافظ، مأخذ: نگارندگان.

مصاحبه‌ها	توصیف فضای شعر حافظ
مشارکت‌کننده (۱) پژوهشگر هنر و فلسفه	به‌کارگیری مفهوم <b>هم‌زمانی</b> به معنای ناپایداری و تغییر زاویه دید، نقض مفاهیم کلیشه‌ای فضای دوبعدی و سه‌بعدی ( <b>ساختار شکنی</b> ).
مشارکت‌کننده (۲) پژوهشگر و مترجم علوم انسانی	<b>ساختار شکنی</b> در هندسه غزل، برخلاف غزل فارسی که یک فرم بسته دارد فضای تغزل حافظ فرمی باز و گشوده دارد (تنوع در فرم و حس زیباشناسی در متن). شعر با مسائل مختلف با شوخی برخورد می‌کند بنابراین <b>سرشت بازیگوشی</b> دارد.
مشارکت‌کننده (۳) پژوهشگر و نویسنده ادبیات و علوم انسانی	غزلی <b>بی‌پایان و آزاد</b> است که با برانگیختن <b>احساسات متناقض</b> (غم و شادی) و ایجاد ناپایداری‌های معنای واژگان به بازی احتمالات بی‌پایان می‌پردازد.
مشارکت‌کننده (۴) مدرس، پژوهشگر، زبان‌شناس	غزل یعنی موسیقی و سمفونی متن، <b>روایت با شوق</b> مهارت موسیقایی حافظ، واج‌آرایی یا هم‌آوایی و هم‌نوایی (خوش کنار هم نشستن واژگان) در متن است. او بیش از هر شاعر دیگر ازواج آرائی (آغاز چند کلمه متوالی با چند حرف، یا کاربرد مکرر یک حرف در یک عبارت یا در مصراع) بهره برده است. خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز
مشارکت‌کننده (۵) مدرس، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی	فقدان انسجام ظاهری در غزل حافظ به دلیل استفاده و کاربرد <b>گزاره‌های ناآشنا</b> و خارج از عرف در متن شعر تغزل حافظ به معنای فضای اندیشه در ذهن که منجر به <b>ابداع ارزش‌های وارونه</b> شده است.
مشارکت‌کننده (۶) مدرس، پژوهشگر ادبیات فارسی	هندسه آشکار متن (کلام تند، انقلابی و طنز) که در نگاه اول ظاهر پریشانی را برای شعر به وجود آورده است. <b>هندسه پنهان متن</b> گذرگاه‌های ذهنی انسان و اندیشه‌ی بازآفرین حافظ (مؤلف اثر) است که انسجام باطنی برای متن به وجود آورده است.
مشارکت‌کننده (۷) معمار، ادیب و هنرمند	فضای شعر حافظ به واسطه‌ی قریحه شاعرانگی و کاربرد دوگانگی‌های متعدد موجب برانگیخته شدن <b>حس‌های ظاهری و باطنی</b> مخاطب اثر شده چراکه اتمسفر متن دارای <b>بازی‌های متعدد و متنوع حسی</b> است.
مشارکت‌کننده (۸) مدرس، پژوهشگر فلسفه و هنر	به‌کارگیری تقابل‌های دوتایی در متن موجب شده هیچ واژه و معنایی بر دیگری برتری نداشته باشد (ارزش‌ها و معانی فروکاسته شده). لذا فضای شعر حافظ <b>گرانیکاه یگانه‌ای</b> ندارد و هرکسی برداشت‌های شخصی و منحصر به فردی از فضای شعر دارد.

پیش‌از این گفته شد که «تغزل» در لغت به معنای «عشق ورزیدن» است و «غزل» نیز به‌گونه‌ای از ساختار هندسی ثابت شعر گفته می‌شود که مورد توجه غزل‌سرایان در دو ساختار کلی غزل عاشقانه و غزل عارفانه (دارای پارادیم‌های قدسی و الهادی) قرار گرفته است. حافظ در این میان با برقراری پیوند میان این دو مفهوم «تغزل» و «غزل» با نگاهی سکولار و ساختار شکنانه قواعد و نظام‌های به کار رفته شده در ساختار ایستای هندسی شعر، مفهوم غزل را به هم می‌زند و با استفاده از قریحه شاعرانگی و حس موسیقایی مفهوم «عشق‌ورزیدن» را در روایت‌های متعدد (هزاران لایه‌ی تو در تو) به کار می‌گیرد. در واقع حافظ تحت نگرشی پارادوکسیکال و اندیشه‌ی متناقض فضای شعر خود را در

وجوه متمایز آشکار و پنهان به وجود آورده است. به‌گونه‌ای که نمی‌توان استدلال ثابت و پایداری را برای فضای شعر وی تعریف کرد چراکه عرصه‌ی شعر حافظ سرشار از تقابل‌های چندگانه (چندوجهی) است که ایجاد تزلزل و ناپایداری در مفاهیم پایدار و رهایی انسان در کسب تجربه‌های متنوع می‌کند. برای تحقق این موضوع حافظ به‌عنوان مؤلف شعر از ابزارهای گوناگونی بهره گرفته است (جدول ۳). بر اساس تحلیل یافته‌ها در خصوص ارتباط حافظ (مؤلف)، متن و مخاطب که این رابطه در فضایی دیالکتیک رخ می‌دهد، می‌توان پی برد که انسان با حضور خود در متن و از طریق تجربه شخصی برداشت‌های متفاوتی داشته است. وی به‌خوبی توانسته با بازی‌های فرمی و پیوند

نامرئی» موریس مرلوپونتی، بدن انسان در تمامی ابعاد زندگی خود گستره‌ای از تقابل‌های چند سویه و متضاد را تجربه می‌کند که وحدتِ روابطِ گسترده (مرئی و نامرئی) میان حس و احساس، لمس، بینایی، جسم، جهان هستی، خود و خویشتن (درون انسان) و ... را به همراه خواهد داشت.

میان پدیده‌های متعدد وحدت درونی (نظم یا هندسه پنهان) ایجاد کند. چراکه در ابتدای مواجهه مخاطب با شعر حافظ با نوعی پریشانی ظاهری و تزلزل به دلیل تکثر روابط میان پدیده‌ها روبرو می‌شود. از این رو می‌توان گفت فضای شعر حافظ سرشار از لایه‌های متعدد و تو در تویی «به‌صورت لایه‌های مرئی و نامرئی» است که انسان را با خود درگیر می‌کند. بر اساس نظریه «بدنمند» و رابطه دیالکتیک «مرئی و

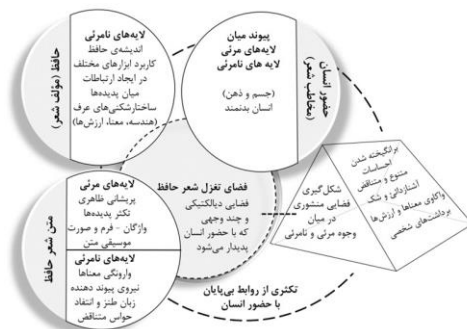
جدول ۳. خوانش مضامین فضای تغزل تألیف شده‌ی حافظ در ارتباط با مخاطب، مأخذ: نگارندگان.

مضامین معماری	تأثیر تجربه‌ی فضای تغزل بر انسان (در یک رابطه دیالکتیک) پیوند	ابزارهای به کار رفته در شعر حافظ توسط حافظ (مؤلف اثر)
پیوند روحی غنی میان معمار ایرانی و ادبیات	جسم - ذهن - روح (بدنمندی)	• هم‌زمانی و ساختار شکنی بصری
• ایجاد پرسپکتیوهای متنوع	• تغییر زاویه دید و ایجاد افق‌های فکری جدید	• تنوع احساسات و بروز احساسات متناقض
• معماری چند حسی	• آشنایی با حس‌های ظاهری و باطنی (شناخت چند وجهی حواس انسانی)	• (حس‌های آشکار و پنهان)
• معماری چند لایه	• خودشناسی	• موسیقی و سمفونی متن
• روایت‌پردازی در معماری (لایه‌های تو در تو)	• ادراک حسی و عاطفی	
	• روایت شوق و برانگیخته شدن حواس متنوع	
	• چالش ذهن و ایجاد حادثه‌های آنی	• بیان (زبان طنز انقلابی - زبان انتقاد)
• پالایش ارزش‌ها و باورهای ساخته شده	• ساختار شکنی، تغییر و وارونگی ارزش‌های واژگان و باورهای برتر (فروکاستن ارزش‌ها)	• ساختار شکنی معنایی و ارزش‌های واژگان
• بی بردن به ناپایداری مفاهیم و ارزش‌ها که موجب فروکاست نگرش‌های سلطه‌جویانه می‌شود	• پذیرش نقد و اصلاح نهادهای اجتماعی و بت‌های برساخته از باورها و ارزش‌های ساختگی	
• کاهش خودنمایی‌های برخاسته شده از نگاه محورگرایی در سیمای شهری	• زایش درونی	
	• برقراری پیوند میان پدیده‌های مختلف متناقض و متضاد	• تقابل‌های چندگانه
• انسجام شاعرانگی در سیمای شهر (شعر مجسم)	• وحدت پنهان (انسجام و ایجاد هندسه پنهان) در میان چند صدایی‌های پدیده‌های مختلف	• آمیزش و ترکیب تضادها (نگاه پارادوکسیکال)
• به معنای پیوند و یگانگی سیمای شهری		
• کاهش مضامین سلطه‌جویانه بصری		

مضامین استخراج شده از فضای تغزل شعر حافظ

تغزل حافظ در یک رابطه‌ی دیالکتیکی (گفتمان پدیدارشناختی) میان وحدت تناقض‌هاست که ریشه در انسان دارد به این معنا که ظهور فضای تغزل در حضور رابطه‌ی گفتمانی چند سویه انسان تعریف می‌شود.

فضای شعر حافظ با حضور انسان و تجربه‌ی بدنمند به معنای یگانگی لایه‌های فیزیکی و ذهنی انسان و متن شعر حافظ «فضای تغزل حافظ» است، بنابراین این فضای چند وجهی (منشوری) در رابطه چندگانه انسان، متن و اندیشه‌ی حافظ پدیدار می‌شود (نمودار ۲).



نمودار ۲. شکل‌گیری فضای تغزل در روابطی گفتمانی بر اساس تحلیل یافته‌ها، مأخذ نگارندگان



## بحث و نتیجه گیری

سلب کرده است. گم‌گشتگی مفهوم فضا در معماری معاصر انسان را در میان ناهمگونی‌های فرمی به‌جای پیوند و یگانگی پدیده‌های مختلف قرار داده که به‌واسطه بمباران‌های تصویری نه‌تنها به او فرصت ادراک و تجربه کردن فضا را به‌صورت آزادانه نداده است بلکه او را در انباشتگی‌های متعدد سرگردان کرده است. درحالی‌که از سوی دیگر با نگاه به جوهره فضا در معماری گذشته ایران پیوند قریحه شاعرانگی و وام‌داری از این میراث ملی مشهود و آشکار است. به‌گونه‌ای که با ایجاد یگانگی میان انسان و فضا امکان تجربه و برداشت‌های شخصی را به‌صورت بدنمند (یگانگی جسم و روح) به وجود آورده است. جدول (۴) نقش میانجی فضای تغزل جهت بازشناخت مضامین اصلی فضا را به‌صورت تحلیلی نشان داده است.

جدول ۴. نقش میانجی فضای تغزل جهت بازشناخت مضامین فضا در معماری ایران، مأخذ: نگارندگان

گم‌گشتگی ماهیت فضا در معماری معاصر ایران			
	<ul style="list-style-type: none"> <li>• ساخت ابرهای بصری</li> <li>• سلطه‌جویی درصحنه سازی‌های کالبدی</li> <li>• عدم تعالی روح انسانی در فضا</li> <li>• حضور انسان تنها به‌واسطه رفع نیازهای جسمانی</li> </ul>		<p>هژمونی تصاویر و خودنمایی</p> <p>ظهور محصولات قالبی</p> <p>ناهمگونی فرم‌ها در بستر محیطی به جای پیوند و یگانگی میان پدیده‌ها</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• قطع رابطه دنیای درون و برون و ایجاد گستره‌ای از ارتباطات</li> <li>• عدم پیوند میان لایه‌های مرئی و نامرئی در شکل‌گیری فضا</li> </ul>			<ul style="list-style-type: none"> <li>• فقدان پیوند و یگانگی میان هندسه آشکار و پنهان</li> <li>• عدم ترکیب و یگانگی میان پدیده‌های متضاد و متنافر</li> <li>• فقدان تجربه‌های انسانی</li> </ul>
<p>فضای تغزل شعر حافظ (نقش میانجی)؛ فضایی چند وجهی که در یگانگی با حضور انسان (بدنمندی) مطرح می‌شود که در رابطه‌های دیالکتیکی و گفتمانی میان پدیده‌های مختلف شکل می‌گیرد. فضا وجودی انسان‌وار و انسان وجودی فضاوار دارد چرا که حافظ با فروکاستن ارزش‌ها و باورهای بصری و آشکار و فروکاسته شدن خودنمایی مؤلف و اثر (متن) موجب شکل‌گیری این گفتمان شده است.</p>			
ماهیت شکل‌گیری فضا در معماری گذشته ایران			
	<p>پیوند میان لایه‌های مرئی و نامرئی</p> <p>انسجام و یگانگی پدیده‌های مختلف</p> <p>هندسه پنهان و آشکار</p> <p>برانگیخته شدن حواس متنوع</p>		<p>چهل ستون اصفهان</p> <p>خانه طباطبایی کاشان</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>• تجلی فضاهای تهی بدون عملکردهای فیزیکی</li> <li>• (برداشت‌های آزادانه انسانی از فضا)</li> </ul>	 <p>تیمچه امین الدوله</p>	 <p>باغ شاهزاده ماهان</p>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• پیوند میان تقابل‌های دو گانه و متضاد</li> <li>• غافلگیری در ایجاد حس‌های انسانی متضاد</li> <li>• پیوند چند صدایی</li> <li>• ساختارشکنی و آشنازدانی</li> </ul>
---	--	---	--

مرحله چهارم: دریافت‌های شهودی انسان در تجربه‌های متعدد و متنوع که از این طریق انسان به‌نوعی ادراک، بیداری و آگاهی دست می‌یابد.

فضایی که در این گستره‌ی ارتباطی درون انسان بدنمند پدیدار می‌شود دائماً در حال تغییر است و این تغییرهای مداوم است که منجر به مانایی فضا و اشتیاق به ماندگاری حضور انسان می‌شود. از آنجایی که این فضا در یک فرآیند دیالکتیکی شکل گرفته است و دارای لایه‌های شهودی بسیاری است موجب تقلیل صحنه‌سازی‌های بصری، سلطه‌جویی تصاویر بی‌پایان برخاسته شده از تکنولوژی، فناوری و تعاریف حاکم حول انسان مدرن در معماری می‌شود. چرا که در فضای تغزل شعر حافظ هیچ پدیده‌ای در نقطه کانونی شاخص و تأثیرگذار قرار نگرفته است.

شایان ذکر است تمرکزگرایی حاکم در معماری امروز یکی از دلایل فقر تجربه‌های انسانی و رخوت انسان در فضاهای معماری و شهری معاصر ایران شده است. براساس شناخت فضای تغزل حافظ می‌توان متوجه شد شاعر به دلیل تقلیل کانون‌گرایی پدیده‌های مختلف (محورگرایی پدیده‌ای شاخص) و بهره‌گیری از نگرش مرکزگرای (چندوجهی) در فضای شعر خود توانسته است در ایجاد این ارتباط دیالکتیکی پدیدارشناسانه موفق گردد.

با توجه به مفاهیم بیان شده از فضای شعر حافظ به‌عنوان فضای میانجی، بدنمند و منشوری (چند وجهی) در نهایت می‌توان گفت از طریق ایجاد وارونگی مفاهیم، ساختارشکنی هندسه پایدار و قانونمند (یگانگی هندسه پنهان و آشکار)، ساختارشکنی‌های مداوم در معناها و تغییر افق‌های دید ثابت

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که «فضای تغزل شعر حافظ» با حضور انسان در رابطه با انسان - متن شعر و اندیشه‌ی حافظ (مؤلف) در میان لایه‌های متعدد پنهان و آشکار تعریف می‌شود. در واقع این فضای تغزل فضایی میانجی و مولد انسان است که موجودیت بدنمند به معنای یگانگی روح، جسم و احساس را دارد و در یک فرآیند زیست‌شده‌ی انسانی توسط انسان احساس، ادراک و تجربه می‌شود، سپس آگاهی پدیدار می‌شود. از آنجایی که این فضا بر اساس ساختارشکنی مفاهیم پایدار و ثابت (چه در ساختار هندسی چه در ساختار باورهای ذهنی)، خارج از محوریت (تأکید بر انسان) یا پدیده‌ی دیگری نمایان می‌شود چندوجهی (مملو از لایه‌های متعدد عاطفی، ادراکی و تجربی) است. در واقع در این ارتباطات پیوسته پیوند میان انسان و فضا به‌عنوان دو پدیده‌ی به هم تنیده شده مطرح است به‌گونه‌ای که انسان در فضای تغزل و وجود انسان معنادار شده است. نمودار (۳) مدل چگونگی شکل‌گیری فضای تغزل در انسان بدنمند را در مراحل زیر نشان می‌دهد:

مرحله اول: تولد لایه‌های آشکار و پنهان فضا با حضور انسان و یگانگی لایه‌های جسمی و ذهنی وی در ارتباط با فضا

مرحله دوم: درگیر شدن لایه‌های ذهنی و جسمی انسان از طریق برانگیخته شدن حواس متناقض (لایه‌های احساسی انسان)

مرحله سوم: ترغیب حرکت فیزیکی - احساسی و ذهنی (خیالی) انسان در لایه‌های مختلف فضا

که این موضوع شکل‌گیری فضای تغزل می‌تواند در شکل‌گیری سیمای شهری منسجم شاعرانه معماری معاصر ایران بازتاب نماید. بدین‌سان در واقع توجه به تجربه‌های زیست شده انسان ایرانی بدنمند (یگانگی بدن، احساس، ادراک و ...) در پیوندی میانجی میان معماری و سیمای شهری، مولد اصلی فضایی انسانی و منسجم است.

و عرف (آشنازدائی)، پیوند و ایجاد یگانگی میان پدیده‌های متفاوت (نظم پنهان)، برانگیخته شدن احساسات انسانی چندوجهی و متناقض، موجب ایجاد نوعی شوق، رهایی و مانایی حضور انسان در فضا به منظور کسب تجربه‌های مداوم و متمایز می‌شود. چراکه با هر بار تجربه و حضور انسان، فضایی منحصر به فرد در ارتباطی دیالکتیک چه در لایه‌های بیرونی انسان و چه در لایه‌های درونی فردی، پدیدار می‌گردد



نمودار ۳. فرآیند دیالکتیک شکل‌گیری فضا در ارتباط با مفاهیم آشکار و پنهان فضای تغزل، مأخذ نگارندگان

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان گزارش

نشده است.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده

است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده

است.

سهام نویسندگان: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده

است.

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

1. Pallasmaa, J. The Embodied Image: Imagination and Imagery in Architecture (Translated by Akbari A. Persian). Tehran: Parham-e Naghsh, 23, 2016. <https://www.academia.edu/42103000/>
2. Falamaki, M. M. Principles and Reading of Iranian Architecture. Tehran: Nashr-e Faza, 43, 2012. [Persian]
3. Soltani, S. & Kirci, N. Phenomenology and Space in Architecture: Experience, Sensation and Meaning. International Journal of Architectural Engineering Technology. 2019 Jun 10; 6: 1-6. <https://doi.org/10.15377/2409-9821.2019.06.1>

13. McCarthy, E. The Space of The Self: An analysis of The Notion of Subjective Spatiality in The Philosophy of Watsuji Tetsuro. The Paideia Archive: Twentieth Word Congress of Philosophy. 1998; 15: 26-32. <https://doi.org/10.5840/wcp20-paideia199815300>
14. Shirazi, M. An Investigation on Tadao Ando's Phenomenological Reflections. Armanshahr Architecture & Urban Development. 2012 Aug 4; 4(8): 21-31. [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_32694.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_32694.html)
15. Soni, A. K. & YR, B. A. I. Understanding The Poetic of Architecture. Guru Gobind Singh Indraprastha University, University School of Architecture and Planning, Kashmere Gate, New Delhi. 12, 2010. <https://academia.edu/resource/work/1334331>
16. Kim, J. S. A Study on the Sensory Experience Space Connected to Light, Material and Five Senses in The Therme Vals of Peter Zumthor, Journal of the Architectural Institute of Korea. 2020 Jul 30; 36 (7): 47-56. <https://doi.org/10.5659/JAIK.2020.36.7.47>
17. Zumthor, P. Phenomenological Approach in The Thought of Peter Zumthor. (Translated by Nikfetrat M. and Mirgozar Langroudi S. Persian). Tehran: elm-e memar. 2015. [Persian]
18. Pallasma, J. Space, Place and Atmosphere. Emotion and Peripheral Perception in Architectural experience. Lebenswelt. Aesthetics and Philosophy of Experience. 2014 Jul; (4): 230-245. DOI:10.13130/2240-9599/4202
19. Moein, M. Persian Dictionary. Tehran: Amir Kabir, vol. 1. 1106, 1985. [Persian]
20. Modarresi, F. Mehravar Giglou, G. A Review on the Modern Romantic Lyricism and its Follower Poets. Journal of Lyrical Literature Researches. 2017 Apr; 12(25): 117-132. [Persian] 10.22111/JLLR.2016.2322
21. Akbarpour, A. The Paradox of Humor and lyricism. Saadiology. 2019 Spiring; 7: 116-124. [Persian]
4. Pallasmaa, J. Architecture as Experience: The Fusion of the World and the Self. Architectural Research in Finland. 2018 Jul 2; 2(1): 9-17. Available in <https://journal.fi/architecturalresearchfinland/article/view/73188>
5. Cho, J. S. A Study on the Experiential Space Concept and the Expression Method in Contemporary Architectural Space - Ando Tadao and Peter Zumthor, Journal of The Architectural Institute of Korea Planning & Design. 2017 Apr 30; 33(4): 21-30. DOI:10.5659/JAIK\_PD.2017.33.4.21
6. Amini, M. R. Some Incidents of Imperceptible Artistic Devices in the Poetry of Sa'di and Hafez, Analyzed from a Functionalistic View. Journal of Poetry Studies (Boostan Adab). 2022 Aug 8; 14(1), 23-48. [Persian] DOI: 10.22099/JBA.2021.40603.4035
7. Moazami, M. The Instructor's Interpretation of Space and Its Influence on Architectural Education, Honar - ha - ye - Ziba-Memari-Va-Shahrsazi, 2012 Jan; 48: 57-68. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22286020.1390.3.4.5.5>
8. Shengli, L. I. U. "Merleau-Ponty's Phenomenology of Space". In The 3rd BESETO Conference of Philosophy. Session, 2009; 5: 138. [https://utcp.c.u-tokyo.ac.jp/events/pdf/025\\_Liu\\_Shengli\\_3rd\\_BESETO.pdf](https://utcp.c.u-tokyo.ac.jp/events/pdf/025_Liu_Shengli_3rd_BESETO.pdf)
9. Goldman, A. Merleau-Ponty and an Ethics of Space. Research in Phenomenology. 2007; 37 (1): 125-135. 10.1163/156916407x169852
10. Zevi, B. Architecture as Space; How to look at Architecture. (Translated by Garman F.). Tehran: Shahidi, 2018. [Persian]
11. Eisenman, p. Iturbe, E. Lateness (Translated by Nikfetrat M. and Eshghi Sanati H Persian). Tehrah: Ketab-e Fekr-e Now. 2020. [Persian]
12. Mostaghni, A. The concept of space in The View of Vatsuji Tetsuro, Khayal (Academy of Arts) 2004 Jun; 9: 86-95. [Persian] <http://ensani.ir/fa/article/226273>



22. Daneshpajouh, M. Masnavi and Ghazal Two Arenas for Manifestation of Persian Poetry and Moulana's Mastery in These Two Realms, *The Journal of Epic Literature*. 2010; 6(9): 463-471. [Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23225793.1389.6.9.27.7>
23. Abdullahi, M. Vertical Connection and Semantic Coherence in Hafez's Sonnets, *Social Sciences and Humanities*. 2005; 22(3): 124-134. [Persian] <https://www.magiran.com/paper/487917>
24. Moya, P. Habit and Embodiment in Merleau-Ponty. *Front. Hum. Neurosci.* 2014 Jul 25; 8:542. <https://doi.org/10.3389/fnhum.2014.00542>
25. Hale, J. *Merleau-Ponty for Architects*. London; New York: Routledge, Taylor & Francis Group. 2017 (pp.5-48). <https://doi.org/10.4324/9781315645438>
26. Merleau-Ponty, M. *The World of Perception*. (Translated by Jaberolansar F.). Tehran: Qoqnoos. 14, 2010. [Persian]
27. Merleau-Ponty, M. *The Visible and The Invisible: Followed by Working Notes*. Evanston: Northwestern University Press. 1968 (pp.50-105).
28. Nitsche, M. The Invisible and the Hidden within the Phenomenological Situation of Appearing. *Open Theology* 2020; 6: 547-556. <https://doi.org/10.1515/oph-2020-0128>
29. Boudlaie, H. *Phenomenological Research Methods*. Tehran: Jameshenasan, 2016. [Persian]
30. Panjtani, M., Mansourian, J. and Mobini, M. Phenomenology of The Aesthetic Experience of Place: Case Study Naqsh-e-Jahan Square. *Journal of Philosophical Investigations*, 2017 Aug; 11(20): 23-60. [Persian] [https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article\\_6456.html](https://philosophy.tabrizu.ac.ir/article_6456.html)